

روش‌شناسی تحلیل تربیتی احکام فقهی*

□ محمد احسانی**

چکیده

مقاله حاضر در موضوع روش‌شناسی تحلیل تربیتی احکام فقهی به منظور شناسایی و معرفی شیوه‌های تحلیل احکام فقهی تدوین یافته است. در ساماندهی مقاله از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده که در این‌گونه موضوعات کاربرد بیشتر دارد. از روش‌های سه‌گانه تمام‌استدلالی، نیمه‌استدلالی و فتوایی بررسی احکام فقهی، روش دوم و از روش‌های منطقی، روش قیاسی-استقرایی در تحلیل تربیتی احکام فقهی تناسب بیشتر دارند. هرگاه عوامل تحلیل تربیتی درون‌متنی بود مانند تأکیدات موجود در آیات و روایات، از روش استقرایی و اگر عوامل تحلیل، بیرون از متن بود مانند حکم عقل و عرف، از روش قیاسی استفاده می‌شود. تحلیل تربیتی احکام فقهی دلیل بسیار قوی لازم ندارد؛ بلکه با وجود عامل توجیه‌کننده‌ای از قبیل اثر، علت یا نکته تربیتی قابل تبیین و ارائه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، تحلیل تربیتی، احکام فقهی، استدلال، درون‌متنی، برون‌متنی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۷/۳؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱.

** گروه اخلاق و تربیت اسلامی، پژوهشگاه بین‌المللی جامعة المصطفی العالمیه، افغانستان:

(mohammadehsanni@gmail.com).

مقدمه

احکام فقهی از صدر اسلام تاکنون به وسیله فقها از متون و ادله فقهی، استخراج شده و در منابع فقهی ثبت و ضبط شده‌اند. این احکام، دارای ابعاد گوناگونی هستند و از جهات مختلف ظرفیت تحلیل و بررسی کارشناسانه پژوهشگران علوم جدید را دارند. به‌ویژه از منظر تعلیم و تربیت و دانش علوم تربیتی به علت ارتباط نزدیک فقه و تربیت، زمینه تحلیل تربیتی احکام فقهی بیش از دیگر رشته‌های علوم انسانی فراهم است. چراکه فقه و تربیت هر دو اشتراکاتی دارند. از جمله در موضوع مشترک‌اند؛ چون هر دو با تعیین چگونگی رفتار انسان و اصلاح عملکرد او در جهت پرورش و ساختن انسان صالح و سعادت‌مند تلاش می‌کنند. هم فقه به اعمال و رفتار انسان توجه دارد و چگونگی افعال مکلف را مشخص می‌کند و هم تربیت به تغییر رفتار و اصلاح عمل کرد متربی نظر دارد (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۱، ۱: فصل ۳)

با این وجود، چگونگی تحلیل تربیتی احکام فقهی و شیوه انجام آن، کار ساده‌ای نیست و هرکس نمی‌تواند چنین کاری را به آسانی انجام دهد. زیرا تاکنون تحلیل چندانی بر احکام فقهی صورت نگرفته و راه و روش معینی برای تحلیل تربیتی دستورات فقهی معرفی نشده است. از این رو، مسأله پژوهش حاضر مشکل روش تحلیل تربیتی احکام فقهی است. بررسی این موضوع و یافتن روش مناسب برای تحلیل تربیتی احکام فقهی ضروری است و این مقاله درصدد انجام آن می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق این است که روش‌شناسی تحلیل تربیتی احکام فقهی چیست؟ سؤال‌های فرعی ناشی از این پرسش به این شرح است: (۱) روش‌های تحلیل تربیتی احکام فقهی کدام‌اند؟ (۲) مناسب‌ترین روش تحلیل تربیتی احکام فقهی کدام است؟

هدف عمده مقاله پاسخ به پرسش‌های یادشده است که با بررسی دقیق منابع روش‌شناسی و متون دینی، به‌ویژه فقه، تربیت و آیات و روایات تربیتی جواب درخور به آن‌ها، ارائه می‌دهد و بهترین روش تحلیل تربیتی را به پژوهشگران این حوزه معرفی می‌کند. این کار، با روش توصیفی - تحلیلی منابع مربوطه به شیوه گردآوری اطلاعات لازم،

تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، استنتاج از آن‌ها، و در نهایت تدوین مطالب، انجام می‌شود. پیشینه تحقیق پیرامون تربیت و احکام فقهی هرکدام به صورت مستقل در مراکز دانشگاهی و حوزوی، دامنه دراز و گسترده دارد و از دیرزمان در اکثر مراکز علمی و پژوهشی جهان مطرح بوده و درباره این دو موضوع، آثار متعددی تدوین شده است. از این رو، در موضوع تربیت انسان و مسایل فقهی مربوط به دوره‌های حیات انسانی، آثار زیادی در اختیار است، ولی با جست‌وجویی نسبتاً کافی که به عمل آمد در خصوص موضوع مقاله، یعنی روش‌شناسی تحلیل تربیتی احکام فقهی، در کتابخانه‌ها و فضای مجازی، اثری در این مورد به دست نیامد. هرچند آثاری در زمینه فقه و تربیت انسان پیش از این فراوان تدوین شده، ولی به روش‌شناسی تحلیل تربیتی احکام فقهی توجه نشده است. بنابراین، موضوع حاضر با رویکرد تربیتی به شناسایی روش تحلیل تربیتی احکام فقهی به صورت عام می‌پردازد و این کار، ابتکاری و بدون سابقه است. نتایج به دست آمده از این پژوهش در تحلیل تربیتی احکام فقهی در حوزه‌های مختلف، مانند احکام خانواده، احکام تربیت اولاد و دیگر ابواب فقه کاربرد دارد و مورد نیاز جدی خانواده‌های مسلمان و مخصوصاً اولیا و مربیان است.

مفهوم‌شناسی

۱. احکام فقهی

در شریعت اسلام، هر قانون الهی که وظیفه فرد واجد شرایط تکلیف را بیان کند «حکم فقهی» نامیده می‌شود. (مطهری: ۵۴). بنابراین، هر حکم فقهی، مشخص‌کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال انجامش را از بندگان، خواسته است. هدف این احکام، آن است که انسان عمل اصلی را در خارج انجام دهد یا ترک کند و یا این که نسبت به ترک یا انجام آن مخیر باشد. اصطلاح «احکام فقهی» به صورت هیأت جمع، بر احکام پنج‌گانه اطلاق می‌شود؛ یعنی واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح. این احکام با اجتماع شروط

تکلیف شامل همه افراد انسان است و هرکس باید به آن‌ها عمل کند. احکام خمس ه هر کدام با مصادیق خود در منابع فقهی به تفصیل بیان شده‌اند.

۲. تحلیل تربیتی

عبارت ترکیبی «تحلیل تربیتی» اصطلاحی نسبتاً جدید است که نیاز به تعریف و توضیح دارد. این عبارت شاید اولین بار در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی؛ عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت اسلامی» ذکر شده است. این مقاله که به وسیله دکتر علی همت بناری تدوین شده در مجله «مطالعات فقه تربیتی» انتشار یافته است. (بناری، ۱۳۹۶: ۳۷-۶۲). اجمالاً تحلیل تربیتی، تلاشی است ذهنی و عقلانی در زمینه احکام فقهی متکی بر واقعیاتی برگرفته از قرآن، سنت، عقل و تجربه، به منظور بررسی علل، اسرار و حکمت‌های احکام و نیز ارائه آثار و نتایج تشریع و التزام عملی به احکام فقهی با رویکرد تربیتی. (بناری، ۱۳۹۶: ۷) در تحلیل تربیتی براساس ادراکات عقلی، واقعیات به دست آمده از کتاب و سنت، یافته‌های علوم جدید به خصوص روان‌شناسی و علوم تربیتی و نیز از طریق بررسی علل و آثار مرتب بر حکم، تحلیل حکم فقهی صورت می‌گیرد. (ر.ک: همان‌جا) در این مقاله سعی بر آن است تا روش مناسبی برای تحلیل تربیتی در همه احکام فقه ارائه گردد تا پژوهشگران تعلیم و تربیت بتوانند با استفاده از آن به تحلیل تربیتی احکام بپردازند.

۳. روش‌شناسی

روش‌شناسی موضوعی است که به بررسی روش‌های شناخت در علوم مختلف می‌پردازد. این مبحث می‌تواند شامل شناخت همه جوانب روش پژوهش در یک علم یا علوم متعدد شود. بشر از دیرباز، به دنبال شناخت مجهولات بوده و از همان زمان مباحثی پیرامون روش شناخت آن‌ها در ذهن داشته و از آن بهره می‌برده است. با این حال مباحث روش‌شناسی به‌طور اصولی از هنگامی آغاز شد که علوم مختلف از هم تفکیک شدند و برای هریک از آن‌ها ویژگی‌های خاصی تعریف گردید. (عزتی، ۱۳۸۸: ۲۴) روش علمی را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«مجموعه‌ای از قواعد، ابزارهای معتبر (قابل اطمینان) و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مشکلات موجود». (همان: ۲۵)

روش‌شناسی به‌صورت کلی در رشته‌های مختلف علوم انسانی کاربرد دارد و در این زمینه آثار بسیاری در قالب کتاب، مقاله و نرم‌افزار پدید آمده است. اما در خصوص موضوع مقاله حاضر (روش‌شناسی تحلیل تربیتی احکام فقهی) براساس جست‌وجوی به‌عمل‌آمده تاکنون اثری تدوین نشده و کتاب یا مقاله‌ای نشر نشده و از این‌رو موضوعی جدید است و نیاز به تحقیق دارد.

در این قسمت، به چند دسته روشی که پیش از این مطرح شده‌اند و می‌توانند در تحلیل تربیتی کمک کنند و برخی کارشناسان و پژوهشگران فقه تربیتی از آن‌ها استفاده کرده‌اند، اشاره می‌گردد تا در صورت تناسب بتوان از آن‌ها در این حوزه استفاده کرد.

روش‌های استخراج احکام فقه تربیتی

از علما و فقهای موجود در حوزه علمیه قم تنها کسی که به بررسی احکام فقه تربیتی پرداخته و به این بخش توجه وافر داشته و آثار مختلفی هم در ابواب گوناگون فقه تربیتی تدوین نموده و به پژوهشگران و کارشناسان تعلیم و تربیت ارائه داده است، آیت‌الله علی‌رضا اعرافی و همکاران ایشان هستند. آثار تدوین‌شده در حوزه فقه تربیتی به‌وسیله ایشان قابل تقدیر است و سلسله کتاب‌های انتشاریافته از «مؤسسه اشراق و عرفان» با عنوان فقه تربیتی و دیگر عناوین مربوط به این حوزه بسیاری از مشکلات فقهی و تربیتی را در باب تربیت اولاد و مسایل مرتبط با آن حل می‌کند. روش‌های به‌کاررفته در استنباط، استخراج و تبیین فقه تربیتی، طبق نوشته آیت‌الله اعرافی سه روش است که هرکدام در جای خود مورد استفاده قرار گرفته و می‌تواند در تحلیل تربیتی احکام فقهی هم تا حدودی کارساز باشند. این سه روش بدین‌منظور مورد بررسی قرار می‌گیرد که معلوم شود کدام یک به تحلیل تربیتی احکام فقهی بیشتر کاربرد دارد تا مورد استفاده قرار گیرد.

۱. روش تمام‌استدلالی

روش تمام‌استدلالی براساس بیانی که از آیت‌الله اعرافی آمده عبارت است از: بیان احکام کودک به‌صورت تمام‌استدلالی که فقیه تعلیم و تربیت مسایل و همه ادله را به‌تفصیل بررسی کند تا به حکم فقهی در باب تربیت فرزند دست یابد. نمونه‌ای که با این روش پژوهش در باب فقه تربیتی تدوین شده کتاب «یادگیری علم و دین» است که به‌وسیله آیت‌الله اعرافی و تیم تحقیقی ایشان با روش تمام‌استدلالی بررسی و چاپ شده است. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۱) بیش از این در تبیین روش تمام‌استدلالی چیزی ذکر نشده، ولی آنچه از مطالعه کتاب یادشده به دست می‌آید، این است که بررسی یک مسأله تربیتی فرایندی را طی می‌کند تا به حکم فقهی آن مسأله منتهی می‌شود.

فرایند طی شده در کتاب یادگیری علم و دین بدین شرح است: (۱) بیان مسأله آموزشی؛ مانند این که علم‌آموزی از نظر فقهی چه حکمی دارد؟ واجب، مستحب، حرام، مکروه یا جایز؟ (۲) علم، بالذات حکمش چیست یا با عنوان ثانوی چه حکمی دارد؟ (۳) بیان دیدگاه‌های نظری به یادگیری علم؛ (۴) تبیین ادله هریک از دیدگاه‌های نظری؛ (۵) بیان انواع و ویژگی‌های حکم فقهی.

مؤلف بعد از بحث طولانی در این موارد، به این حکم فقهی دست یافته است که: تحصیل در همه دانش‌ها به‌عنوان اولی، استحباب مولوی نفسی، عینی، توصیلی و تعیینی دارد. (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۱، ۱: ۳۹-۱۰۰)

۲. روش نیمه‌استدلالی

بیان احکام فقهی به شیوه نیمه‌استدلالی این است که برخی از ادله را به‌شکل مختصرتر مورد بررسی قرار دهد و به نتیجه می‌رسد. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۱) این روش هم بیش از این توضیح داده نشده و آنچه از مطالعه کتابی که به‌عنوان نتیجه روش نیمه‌استدلالی معرفی شده استفاده می‌شود این است که فرایند روش نیمه‌استدلالی هم مراحل دارد که محقق با طی آن مراحل

به حکم فقهی نایل می‌گردد: ۱) تبیین موضوع؛ مثلاً تربیت اعتقادی به عنوان یک مسأله مورد بررسی از نظر فقهی مطرح شده است؛ ۲) اقامه ادله از قرآن و حدیث و سیره معصومین (علیهم‌السلام)؛ ۳) استنتاج احکام تربیت اعتقادی که بر والدین واجب است فرزند را با اصول اعتقادی آشنا سازند. (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۱-۵۴)

۳. روش فتوایی

بیان احکام فتوایی مربوط به کودک یا گزاره‌ای که تنها احکام و گزاره‌های فقهی استنباط شده را گردآوری و تحلیل تربیتی نماید، روش فتوایی گفته می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۱) در این روش آن گونه که مورد استفاده قرار گرفته با استناد به دلیلی از قرآن و حدیث و ادله به صورت اختصار، به استخراج حکم فقهی در زمینه تربیت دست یافته است. مثلاً در باب مشورت با کارشناسان در تربیت فرزند به این حکم فقهی رسیده که همفکری و مشورت والدین با صاحب نظران در باب تربیت فرزند واجب است. هرکدام از احکام فقهی ارائه شده در این حوزه مستند به آیات و روایات است، ولی بحث چندانی در تبیین ادله نشده است. (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۳: ۳۳-۳۵)

پس از بیان سه روش پیش گفته، اکنون سؤال این است که کدام یک از آن‌ها در تحلیل تربیتی احکام فقهی مناسب‌تر است؟ به نظر می‌رسد، روش دوم، یعنی نیمه استدلالی با تحلیل تربیتی سازگارتر است؛ چراکه روش تمام استدلالی بسیار مفصل است و بررسی تمام ادله کتاب، سنت و دیگر دلیل‌ها از ظرفیت تحلیل تربیتی خارج است. ثانیاً، همان گونه که در جای خود اشاره شده مخاطب آثار به دست آمده با روش تمام استدلالی نخبگان و فقه پژوهان حوزوی هستند (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۱) و مخاطب تحلیل تربیتی عمدتاً اولیا و مربیان و عموم خانواده‌ها می‌باشند. ثالثاً، طبق روش تمام استدلالی نویسنده و ارائه دهنده تحلیل تربیتی می‌بایست فقیه در دانش فقه و متخصص در علوم تربیتی باشد و این گونه افراد بسیار کمیاب هستند و یا رغبتی به این کارها از خود نشان نمی‌دهند. روش سوم و بیان فتوایی هرچند در کتاب به صورت مختصر مورد استفاده قرار گرفته، ولی تحلیل تربیتی در صدد استنتاج احکام

فقهی تربیت نیست، بلکه اغلب ناظر به تبیین چرایی موضوع و عمل تربیتی، بیان اهداف و آثار فعالیت تربیتی مستند به دلیل قرآنی، روایی یا عقلی و مانند آن است. بنابراین، روش نیمه‌استدلالی که مخاطب آن کارشناسان و پژوهشگران علوم تربیتی و همچنین گروه‌های هدف معرفی شده (اعرافی، همان)، در این مقاله در تحلیل تربیتی احکام فقهی مناسب‌تر دیده می‌شود. برای مثال، احکام فقهی کودک مانند استحباب عقیقه با استفاده از این روش مورد تجزیه و تحلیل تربیتی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که ابتدا احکام فقهی از منابع مربوطه در مورد عقیقه به دست می‌آید، سپس با استناد به متون دینی، فهم و ادراک عقلی و نیز یافته‌های علوم جدید مانند روان‌شناسی و علوم تربیتی، تجزیه و تحلیل می‌شود.

روش‌های استدلال منطقی

آنچه از منابع منطق برمی‌آید این است که اصلی‌ترین بخش منطق را مباحث حجت تشکیل می‌دهد؛ یعنی مباحث پیرامون معلوم تصدیقی که موجب کشف و شناخت مجهول تصدیقی می‌شود. «حجت» در منطق، مجموع قضایای معلومی است که قضیه مجهولی را کشف می‌کند، و «استدلال» نیز به همین معنا، به تنظیم و تألیف یک سلسله قضایای معلوم به منظور کشف قضیه‌ای مجهول اطلاق می‌گردد. حجت را گاهی «دلیل» می‌نامند؛ زیرا دلالت به مطلوب می‌کند و گاهی به لحاظ نحوه ترکیب و آماده‌سازی قضایا برای دلالت، «استدلال» هم گفته می‌شود. (مظفر: ۲۳۱) بنابراین، استدلال منطقی یک سری اقداماتی است که با ترتیب مقدمات لازم، در صورت صحت قضایا به نتیجه مطلوب می‌رسد. این روش، ابزاری ضروری برای نیل به حقیقت و کشف واقعیت است. در منابع منطقی برای استدلال، سه روش قیاسی، استقرایی و قیاسی - استقرایی ذکر شده است (ازکیا، ۱۳۸۲، ۱: ۴۶).

۱. استدلال قیاسی

قیاس مهم‌ترین قسم از اقسام حجت و استدلال است؛ زیرا در علوم حقیقی تنها تصدیقاتی مورد اعتماد است که جزمی و یقینی باشند و تصدیق جزمی و یقینی جز از طریق قیاس به

دست نمی‌آید. در این نوع استدلال ذهن از کل به جزء گرایش دارد و سعی می‌کند از اصل به نتیجه دست یابد. (ازکیا، همان) استدلال قیاسی نخستین بار به وسیله فلاسفه یونان، به ویژه ارسطو و شاگردانش به منظور کشف حقیقت به کار رفته است. این روش با فرایند منطقی تشکیل قضایایی به نام کبرا و صغرا به نتیجه مورد نظر نایل می‌شود. بدین طریق که پژوهشگر واقعیت‌های شناخته شده را کنار هم قرار داده به نتیجه‌گیری می‌پردازد. مثلاً همه انسان‌ها فانی هستند (کبرا)، علی انسان است (صغرا)، پس علی فانی است (نتیجه). در استدلال قیاسی، هرگاه دو مقدمه، یعنی کبرا و صغرا درست تشکیل شود، نتیجه یقیناً درست خواهد بود (دلاور، ۱۳۸۸: ۹).

۲. استدلال استقرایی

استقرا روشی است که برعکس قیاس از جزء به کل و از کمترکلی به امور بیشترکلی سیر می‌کند و به نتیجه می‌رسد. مهم‌ترین نوع نتیجه، نتیجه استقرایی است و منحصر به فرد هم نیست. مثلاً از بررسی تعدادی آب‌ها به جوش آمدن آن، هنگام رسیدن به دمای صد درجه دست می‌یابد و این نتیجه را به همه آب‌های جهان تعمیم می‌دهد. (دلاور، ۱۳۸۸: ۹) ممکن است شخص از امور جزئی به امور جزئی دیگر هم برسد. (ازکیا، همان: ۴۶) بر این اساس، استقرا، استدلال از معلوم به مجهول از طریق سیر جزء به کل می‌باشد. هرچند استقرای تام ممکن نیست محقق شود، ولی درعین حال استقرا می‌تواند در یک محدوده کوچک و محدود هم اطمینان‌آور باشد. (دلاور، همان: ۱۲) مثلاً از بررسی موارد متعدد، می‌بینیم آهن، وقتی گرم آمد منبسط می‌شود و به این نتیجه می‌رسیم که همه آهن‌ها وقتی گرم شوند، انبساط پیدا می‌کنند.

۳. استدلال قیاسی-استقرایی

در این روش از هر دو شیوه استدلال استفاده می‌شود و عبارت است از حرکت به مجهول از سمت معلوم که در آن، تجربه به نحو استقرایی تحلیل و به فرضیه تبدیل می‌شود. آن‌گاه

از طریق استدلال قیاسی، مفاهیم فرضیه‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرند تا روایی آن‌ها آزمون شود. (ازکیا، همان: ۴۷) آنچه در تحلیل تربیتی احکام فقهی به نظر می‌رسد قابل استفاده است، همین روش ترکیبی از استدلال قیاسی-استقرایی است. این روش هم از امتیازات استدلال قیاسی و هم از برتری‌های استدلال استقرایی بهره‌مند است. در برخی موارد ممکن است از استدلال قیاسی و انتقال از کل به جزء استفاده شود؛ هرگاه حکم عقل، فقه و عرف و مانند آن در تحلیل تربیتی کارساز باشد طبعاً سیر دلیل از کل به جزء خواهد بود. در مواردی نیز مانند بررسی متن آیات و روایات و نکات ادبی به کار رفته در آن‌ها، از بررسی جزئیات به نتیجه می‌رسد. مثلاً حکمی مانند وجوب حضانت کودک بر والدین که در روایتی آمده یا در کتاب فقهی ذکر شده باید بررسی استقرایی شود که در دیگر روایات و کتب فقهی نیز آمده یا نه؟ اگر آمده علت حکم بیان شده یا نه؟ و در این صورت، چگونه تحلیل خواهد شد؟

به هر صورت، تحلیل تربیتی خفیف‌المؤونه است؛ دلیل قوی لازم ندارد و با وجود نکاتی مانند تعلیل، تأکید، سوگند و... در متون دینی مربوط به موضوع یا اقتضای عقل و فطرت و یا حکمت و مصلحت می‌تواند در حکم فقهی مستند و پایه تحلیل تربیتی قرار گیرد. بنابراین، روش بررسی حکم فقهی در منابع مربوطه با روش نیمه‌استدلالی و تحلیل تربیتی با روش قیاسی-استقرایی انجام می‌گیرد.

روش‌های تحلیل تربیتی

در این جا به دو مدل تحلیل تربیتی اشاره می‌شود که در یکی بیشتر از روش استقرایی و در دوم از روش قیاسی یا ترکیب آن دو استفاده می‌گردد. البته واژه «مدل» در این مقاله به معنای نوع و قسم است، نه این‌که فرایند مدل‌سازی و الگوپردازی روی موضوع خاصی صورت گیرد. بلکه دو نوع تحلیل درون‌متنی و برون‌متنی انجام می‌شود که اول ناظر به متون دینی، مانند آیات و روایات و دوم ناظر به دلایل عقلی، عرف عام، سیره عقلا و سیره معصومین علیهم‌السلام خواهد بود.

به عبارت دیگر، مستند و پایه تحلیل در یکی از حوزه‌های یادشده به طریق استقرایی یا قیاسی خواهد است و براساس آن، تحلیل تربیتی صورت می‌گیرد.

۱. روش‌های درون‌متنی

روش تحلیل درون‌متنی مبتنی بر متن آیات و روایات و سخنان رهبران دینی است که نسبت به حکم فقهی ارائه داده‌اند. از باب نمونه در حکم فقهی مربوط به رضاع یا تغذیه کودک در فقه و روایات، تأکید فراوان شده است. در برخی متون، علت امر هم ذکر شده که چرا شیر مادر برای کودک لازم است؛ چون در جسم و روح او اثر خاصی می‌گذارد و عامل سلامت وی شمرده می‌شود. این حکم براساس این شواهد مورد تحلیل قرار می‌گیرد که از منظر تعلیم و تربیت از چه قرار است. به هرصورت، از این نکات که زمینه‌ساز تحلیل تربیتی احکام فقهی هستند، در این مقاله به مستند یا معیار تحلیل تربیتی تعبیر می‌شود. در این مدل، تحلیل تربیتی با روش استقرایی تناسب دارد که جست‌وجو در متن به شکل استقرای موردی انجام می‌شود.

الف) روش‌های درون‌متنی کمی

اگر معیار و مستند تحلیل در متن آیات و روایات قرار داشت، تحلیل درون‌متنی تعبیر می‌شود و اگر بر پایه تحلیل حکم عقل، عرف یا امثال آن بود برون‌متنی گفته می‌شود. در این جا به چند نمونه از این قبیل تحلیل اشاره می‌گردد.

یکم. میزان فراوانی حکم فقهی

نخستین روش تحلیل درون‌متنی، میزان فراوانی حکم فقهی است که به اندازه‌های عددی اشاره دارد و از تکرار آن حکم به صورت لفظی یا مفهومی در متون دینی مانند آیات و روایات به دست می‌آید. (لطیف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۵۷) منظور از فراوانی حکم فقهی، تعداد تکرار دلایل حکم در متون دینی است که لفظ و مفهوم دال بر حکم، چه اندازه در متون مربوطه به کار رفته

است. ازاین جهت، فراوانی حکم فقهی به صورت لفظی و مفهومی در قرآن و حدیث قابل جست و جو است و هر اندازه پُرکاربردتر بود از وزن بیشتری در تحلیل تربیتی برخوردار می باشد. هرکدام ازاین کاربردها بیانگر نکته ای است که در تحلیل تربیتی حکم، ایفای نقش می کند. (همان جا) این معیار به این دلیل کمی گفته می شود که با آمار و ارقام سروکار دارد و می توان میزان فراوانی مفاهیم و کلمات را براساس تکرار آن ها، به صورت رقم و عدد بیان کرد. فراوانی تکرارها به دو شکل لفظی و مفهومی قابل بررسی است.

فراوانی لفظی

فراوانی لفظی از تکرار یک لفظ خاص مانند واژه «تقوا» و «انفاق» در آیات و روایات به دست می آید که به صورت جست و جوی واژگانی در منابع مربوطه انجام می گیرد. البته فراوانی لفظی، دو صورت دارد: گاه عین لفظ تکرار شده و گاه مشتقات آن در هیأت های دیگر از قبیل «یتقون»، «ینفقون» و مانند آن ها. این دو نوع تکرار که مستند به لفظ هستند به لحاظ درجه و میزان دلالت بر موضوع، یکسان نیستند. زیرا تکرار لفظی از نوع اول، وزن سنگین تری نسبت به تکرار لفظی از نوع دوم دارد. مثلاً میزان فراوانی لفظ تقوا اگر ۲۰ بار باشد و انفاق در هیأت «ینفقون»، ۱۰ مرتبه، بار تربیتی تقوا بیشتر است.

فراوانی مفهومی

گاه لفظ و عبارت دال بر حکم تکرار نشده، بلکه مفاد آن، در قالب معنا و مفهوم با الفاظ دیگر آمده است. مثلاً مفهوم تقوا یا امر به معروف و نهی از منکر در قالب عبارات، کلمات و مفاهیم غیر از لفظ و مشتقات این دو کلمه ذکر شده که معنای آن دو را افاده می کنند. این نوع فراوانی نیز در بحث حاضر ذی نقش است و می توان آن را به عنوان یک معیار کمی تحلیل تربیتی حکم فقهی در نظر گرفت. اگر مثلاً وجوب انفاق مالی به فرزند به عنوان حکم فقهی مطرح باشد، بسیاری از دانشمندان مسلمان بدون ذکر این کلمه و مشتقات آن در آیات، مفهوم انفاق را از کلمات و عبارات دیگری مانند فضیلت اطعام، مذمت بخل و مانند آن استفاده کرده اند.

فراوانی مفهومی چنین حکمی با این مضامین دلیل بر اهمیت آن است که از منظر تربیتی جایگاه خاص خود را دارد.

درمجموع این نکته‌سنجی‌ها لازم است در فرایند تحلیل تربیتی حکم فقهی مورد توجه قرار گیرد و در مصادیق متنی تطبیق شود. اگر آزمودنی‌های مورد مطالعه از قبیل الفاظ، مفاهیم و عبارات قرآنی باشند، فرایند تحقیق به طریق بررسی‌های کمی، مانند به‌دست آوردن فراوانی آن‌ها در قرآن و حدیث به اجرا درمی‌آید. (نادری، ۱۳۷۰: ۱۸۰) البته این روش، به‌شیوه استقرایی قابل اجرا است که حرکت منطقی به نتیجه از جز به کل است و با دستیابی به داده‌های جزئی در زمینه فراوانی یادشده، می‌توان به تحلیل تربیتی موضوع پرداخت.

دوم. میزان فراوانی عمل به حکم فقهی

منظور از فراوانی عمل به حکم فقهی، تکرار آن در شبانه‌روز است که شارع مقدس طبق اصطلاح فقهای اسلام به تکرار مُکَلَّفٌ به در زندگی شبانه‌روز مکلف فرمان داده است. این تکرار عمل به نوبه خود در تعلیم و تربیت دارای بار ارزشی است. چه این که تکرار گفتاری و رفتاری به وسیله متربی هم در نظام تربیتی مورد تأکید قرار گرفته و هم در متون دینی به آن سفارش شده است. (باقری، ۱۳۸۴: ۷۰) در این زمینه می‌توان از قرآن کریم شاهد آورد که خدای متعال خطاب به رسولش می‌فرماید: (وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ)؛ پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبح‌گاهان و شام‌گاهان، یاد کن و از غافلان مباش. (اعراف، آیه ۲۵۰) این آیه کریمه خطاب به شخص پیامبر اسلام ﷺ است، ولی طبق قاعده معروف اصولی، مورد نمی‌تواند مخصص باشد (ایروانی، ۳: ۷۰) و براین اساس، مفهوم آیه شامل همه مسلمانان است. بدین معنا که هر مسلمانی، به‌عنوان مکلف باید یاد خدا را، به‌منزله مکلف به در قلب خود، شب‌وروز تکرار کند و نباید از آن لحظه‌ای غفلت ورزد. چه این که ذکر خدا به لحاظ تربیتی تأثیر فراوان در روح و روان آدمی دارد و او را همواره در مسیر حق استوار نگه می‌دارد.

در تعلیم و تربیت، تمرین و تکرار و به عبارت دیگر تقویت و تلقین به نفس، از روش‌های مهم یادگیری شمرده شده است. (سیف، ۱۳۸۸: ۵۸۰) اگر بخواهیم مفهومی را به دانش‌آموزان بیاموزیم، تکرار آن لازم است تا فراگیران هم اهمیت موضوع را درک کنند و هم آن را در ذهن خود جای دهند و بدان عمل کنند. طبق آیه شریفه، لزوم یاد خدا در زندگی یک حکم فقهی و الهی است، چون از نظر علم اصول، هیأت امر ظهور در وجوب دارد (آخوند خراسانی، ۱: ۱۳۴) که در موضوع ذکر خدا به لحاظ تربیتی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و آثار فراوانی بر آن مترتب است. حکم به تکرار ذکرالله در عمل از طرف خداوند با ویژگی‌های تمرکز در قلب، شبانه‌روز، آهسته و آرام بدون اظهار در زبان، بدون شک انسان را در مقابل مشکلات زندگی صبور و بردبار می‌سازد. پیام آیه از نظر تعلیم و تربیت یک پیام تربیتی است که روش پرورش متریبان را ارائه می‌دهد. خداوند ذکر پروردگار را به رسولش با روش تکرار و تمرین آموزش داده بدین طریق به همه مربیان می‌فهماند که با تکرار موضوع در صبح و شام بدون غفلت، می‌توان آن را آموخت و به دیگران آموزش داد. فراوانی تکرار عمل در مقابل غفلت از آن قرار گرفته که غافل شدن از حق به تصریح قرآن عامل اصلی سقوط انسان به جهنم است. (اعراف، آیه ۱۷۹) بنابراین، فراوانی حکم فقهی مانند ذکرالله و دستور به تکرار آن در شبانه‌روز، از نظر تربیت حایز اهمیت است و بار ارزشی دارد.

ب) روش‌های درون‌متنی کیفی

تحلیل تربیتی درون‌متنی کیفی کار به فراوانی و تکرار عمل ندارد، بلکه نکات نهفته در متن آیات و روایات ملاک قرار می‌دهد که از جملات، عبارات و کلمات به کار رفته در آن‌ها به دست می‌آیند. مثلاً کلمات تأکیدی در آیه و روایت زیاد به کار رفته و هر کدام به لحاظ ادبی مفهوم خاصی را افاده می‌کند و آن مفهوم از نوع تأکید و تحقیق و امثال آن می‌تواند معیار تجزیه و تحلیل تربیتی قرار گیرد. در این فراز از مقاله به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

یکم. روش تقدیم کیفیت بر کمیت

این معیار ارتباطی با اعداد و ارقام ندارد و مربوط به کیفیت محتوایی، مفهومی و اهمیت معنایی حکم فقهی است. در تبیین این معیار به متن آیات قرآن مراجعه می‌شود و نحوه بیان، تأکید، تعلیل و مانند آن که به نوعی اهمیت دستور الهی را می‌رسانند، مورد دقت قرار می‌گیرد. نظیر این موضوع در موارد دیگر نیز وجود دارد که از قرآن قابل استفاده است. مثلاً در بحث شور و مشاوره که قرآن دستور به استفاده از آن داده است، (آل عمران، آیه ۱۵۹) هرگاه دو طرف مشاوره به لحاظ تعداد به اقلیت و اکثریت تقسیم گردد، و اقلیت نیروی کیفی باشد، نمی‌توان گفت از منظر قرآن نظر اکثریت مقدم است. چه این که قرآن اکثریت را با گزاره‌هایی همچون «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (مانده: ۱۰۳)، «أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰)، «أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۱۰۰) توصیف کرده و نظر آنان را از اعتبار ساقط دانسته است. در موارد تعارض کمیت عددی به لحاظ کثرت با کیفیت محتوایی در اقلیت، نمی‌توان گفت کمیت، یعنی اکثریت از منظر قرآن مقدم بر اقلیت کیفی است. چه این که قرآن در این زمینه به صراحت می‌فرماید: (وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ)؛ اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند (انعام، آیه ۱۶۶).

البته اگر آرای همه افراد جامعه در ارتباط با انتخاب یک نفر مطرح باشد مثل رئیس جمهور، به خاطر وجود صاحب‌نظران کیفی در هر دو طرف موافق و مخالف بنا بر حکم عقلا و عرف جامعه، نظر اکثریت مقدم است. اما اگر مشاوران تعدادی محدود باشند، در این صورت مقدم داشتن نظر اکثریت با وجود افراد کیفی و ارزشی در میان اقلیت، مشکل است. برخی بر این باورند که به لحاظ ارزش و اعتبار، نظر اقلیت مقدم است. (قاضی زاده، ۱۳۸۴: ۳۴۲) شاید به این علت، قرآن کریم همواره اکثریت مردم را مورد مذمت قرار داده و به دور از علم (وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (الأنعام، آیه ۳۷)، ناسپاس (وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ) (الأعراف، آیه ۱۷) و فاسق (وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ) (الأعراف، آیه ۱۰۲) معرفی کرده است.

آیات قرآن از انسجام و نظم خاصی برخوردارند، چون سخن خدای متعال برخاسته از

نظم الهی قرآن است؛ به نحوی که شناخت آن نظم و ساختار در فهم قرآن حائز اهمیت است. (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۷) به گفته ایزوتسو الفاضلی که در زمان جاهلیت به کار می‌رفت، با نزول قرآن از مفاهیم اصلی خود به معانی تازه‌ای انتقال یافت و باورهای نادرست عرب جاهلی به وسیله قرآن باطل شد. واژگانی مانند «مؤمن»، «مسلم»، «کافر» و «منافق» از نو پدید آمد و برای کلماتی چون «صیام»، «حج»، «زکات»، «صلات» و مانند این‌ها شروط و خصوصیتی جدید قرار داده شد. (حیدری، ۱۳۹۱: ۳۹) از نحوه کاربرد واژه‌های قرآنی با دقت و تأمل چنین استفاده می‌شود که کلمات قرآن دو تعهد دارند: تعهد ذاتی و شخصی که مخصوص خودشان است و تعهد اجتماعی و گروهی که واژه‌ها با توجه به فرهنگ جامعه قابل فهم و شناسایی می‌باشند. واژگان، به تنهایی حامل چیزی نیستند و فقط معنای خودشان را حمل می‌کنند که این، همان تعهد ذاتی واژه است. واژه‌ها از این نظر، به تنهایی نمی‌توانند در افاده معنا و ارائه پیام نقشی ایفا کنند. اما تعهد اجتماعی واژگان دارای نقش در افاده معنا و پیام هستند و همین نقش تعهد گروهی و اجتماعی به واژگان می‌بخشد (رستگاری، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

در تبیین معیار کیفی توجه به متن آیات و روایات، شأن نزول آیات و صدور روایات هم‌معنی و مانند این‌ها لازم است تا بتوان با استناد به دلیل قرآنی و حدیثی اهمیت حکم را روشن کرد. البته فهم قرآن و حدیث نیازمند دقت وافی و بررسی عمیق آیات و روایات و شواهد درون‌متنی و برون‌متنی است تا به مقصود واقعی متن در موضوع مورد نظر دست یافت (حیدری، پیشین: ۴۳).

دوم. روش ادبی و بیانی

منظور از این نوع معیار، دلالت و اقتضائاتی است که از کلمات، عبارات و جملات مذکور در آیات و روایات به دست می‌آید. بدین معنا که متن قرآن و حدیث برخی واژگان و عباراتی را در توصیف حکمی به کار برده است که از جهت افاده معنا، اهمیت خاصی به آن حکم

بخشیده است. حروف تأکیدی و ذکر قیدهای لفظی در بیان حکم فقهی، نشان‌دهنده اهمیت حکم است و می‌توان عمل به چنین حکمی را نشان تعهد دینی معرفی کرد.

تأکیدات قرآنی و روایی

بسیاری از آیات قرآن مفاهیم و مطالب را به صورت مؤکد و با ادات تأکید بیان کرده‌اند. این تأکیدات یک نوع اهمیت بیشتر مطلب را می‌رسانند و این‌که موضوع ذکر شده در آیه، مورد تأکید خدای متعال است و باید به آن توجه جدی صورت گیرد. تأکید با استفاده از حروف و ادات عربی و ادبی مختلف در قرآن و حدیث به کار رفته که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌گردد. از باب مثال کلمه «قد» از کلمات مفید تحقق موضوع و اثبات معنای جمله است. این واژه در ادبیات عرب و دانش منطق به چند معنا به کار می‌رود و آنچه افاده ثبوت قطعی مطلب می‌کند، «قَدْ حَقِيقَه» است که اگر بر فعل ماضی وارد گردد، مانند «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَاها» (شمس، آیه ۹) مفهوم تحقق صددرصدی حکم را می‌رساند. (ابن هشام، ۱۳۷۹: ۲۹۸) بر این اساس، حکم فقهی با جمله مقرون به «قد حَقِيقَه»، بار معنایی سنگین‌تری دارد و می‌توان آن را به لحاظ تربیتی دلیل بر اهمیت حکم معرفی کرد.

همچنین کلمات «أَنَّ» و «إِنَّ» هم برای تأکید مطلب هستند که بر اهمیت موضوع دلالت دارند. از این دو حرف، در قرآن و حدیث فراوان استفاده شده و موضوع مذکور در متن را مورد تأکید قرار داده‌اند. چنان‌که در آیه زیر از این دو کلمه برای تأکید مطلب استفاده شده است: (إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَ لَا يَحْيَى)؛ هرآینه هرکس که گنهگار نزد پروردگارش بیاید، جهنم جایگاه اوست که در آن جا، نه می‌میرد و نه زندگی می‌کند (طه، آیه ۷۴). در این آیه کلمه «إِنَّ» به کار رفته و هردو، تأکید موضوع را می‌رسانند و بر قطعی الوقوع بودن گزاره‌های ذکر شده در آیه دلالت دارند. (جمعی از اساتید، ۱۴۱۴ق: ۶۰) زیرا کسانی که با جرم و گناه در قیامت محسور می‌شوند، از نظر دینی و قرآنی روشن است و در جهنم عذاب می‌بینند؛ به نحوی که نه زنده هستند و نه مرده، بلکه در یک حالت ناگواری بینابین به سر

می‌برند. آوردن کلمات «أَنَّ» و «إِنَّ» در جمله دلیل بر اهمیت موضوع است. هرگاه حکم فقهی با این دو کلمه در آیات قرآن و روایات ذکر گردد، از نظر دانش تربیت دلیل بر اهمیت آن حکم است.

از دیگر حروف مفید تأکید در آیات و روایات، حرف لام است که معنای کلمه یا جمله مورد نظر را تأکید می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اگر لام نباشد، آن تأکید از متن جمله استفاده نمی‌شود. اهل نحو و ادیبان عرب برای لام، معانی متعددی ذکر کرده‌اند و یکی از آن‌ها تأکید محتوای جمله‌ای است که بر آن وارد شده است. (پیشین: ۱۵۷) مثلاً در سورة قریش می‌فرماید: (فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ)؛ پس باید پروردگار این خانه را بپرستند. (قریش، آیه ۳) در این آیه، لام بر فعل «یعبدوا» وارد شده و حکم فقهی عبادت صاحب کعبه، یعنی خدای متعال را تأکید کرده است. پس اگر در آیه‌ای لام تأکید به کار رفته باشد و حکمی را تأکید کند، آن حکم از اهمیت ویژه برخوردار است.

افزون بر کلمات تأکیدی، بعضی جملات نیز مفید تأکید هستند و در آیات و روایات به کار رفته که می‌توان از آن‌ها نیز در بیان اهمیت حکم بهره برد. جمله انوعی دارد؛ برخی آن‌ها معلل هستند و علت حکم یا گزاره در آن جمله یا جمله بعد ذکر شده است. این نوع جمله را جمله معلل گویند و علت حکم صریحاً یا ضمناً در کلام بیان می‌شود. جمله‌های دارای تعلیل حاکی از اهتمام بیشتر نسبت به موضوع مورد بحث در آیات هستند و یک نوع اولویت یا توجه فزون‌تر به آن را می‌طلبند. چراکه میان الفاظ یا جملات و معانی، پیوند محکم و نزدیک برقرار است (ندوی، ۱۳۸۸: ۶۶).

جملاتی از این قبیل، از نظر معنایی اهمیت زیادی دارند و در قرآن کریم هم نمونه‌های آن قابل مشاهده است. چنان‌که در آیه ذیل حکم ارسال رُسُل تعلیل شده است: (رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ)؛ پیامبرانی مژده‌دهنده و بیم‌دهنده تا از آن پس مردم را بر خدا حجتی نباشد. (نساء: ۱۵۶) انذار و تبشیر انبیا در این آیه تعلیل شده که هدف آن اتمام حجت بر بندگان بوده و این‌که در روز قیامت مردم نگویند که ما نمی‌دانستیم تا

استدلال کنند که عقاب بلا بیان نسبت به آنان قبیح است. چنین جملاتی محتوای بسیار قوی و محکم دارند؛ به نحوی که نمی‌توان از آن دست برداشت و باید پذیرفت و به مفاد آن متعهد بود و عمل کرد. اگر آیات و روایاتی از این قبیل حاوی بیان رفتارهای ایجابی یا سلبی اهل ایمان باشند، می‌توان آن را به عنوان تأکید بر حکم مربوطه در نظر گرفت.

ادات تأکید مانند الفاظ «کل»، «جميع»، «عامه»، «کافه» و نظایر آن، برای تأکید هستند و در قرآن و حدیث هم فراوان به کار رفته و در این بخش قابل طرح است. این کلمات اهمیت بیشتری به محتوای جمله می‌بخشند و یک نوع الزام و ارزشمندی از آن استفاده می‌شود (مدرس، ۱۳۶۷، ۲: ۵۲۹). ادات تأکید در واقع از موضوع و امر مورد تأکید رفع احتمال خلاف نموده، ابهام‌زدایی می‌کنند و به مخاطب می‌فهمانند که آنچه در کلام ذکر شده مقصود حقیقی گوینده است (تفتازانی: ۱۲۵). در آیات قرآن از کلمات تأکیدی مکرر استفاده شده و با رفع احتمال خلاف ظاهر به وسیله این کلمات، اهمیت مطلب را نیز برای مخاطبان بیان داشته است. به عنوان نمونه در آیات ذیل آمده است: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا)؛ تو را به پیامبری نفرستادیم، مگر بر همه مردم مژده‌دهنده و بیم‌دهنده. (سبا، آیه ۲۸)، (وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً)؛ و هم‌چنان که مشرکان همگی به جنگ شما برخاستند، همگی به جنگ ایشان برخیزید (توبه، آیه ۳۶).

در این دو آیه، کلمه «کافه» برای تأکید مطلب ذکر شده است. در آیه اول رسالت پیامبر اسلام ﷺ و بشارت و انداز آن حضرت در دعوت به توحید و این که او برای همی مردم جهان مبعوث به رسالت شده، مورد تأکید قرار گرفته است. با این بیان جای این شبهه باقی نمی‌ماند که بعضی خیال کنند پیامبر ﷺ تنها برای مسلمانان فرستاده شده و نسبت به دیگران وظیفه نداشته و یا غیر مسلمانان موظف به پیروی از او نیستند. در آیه دوم قتال با همه مشرکان بیان و تأکید شده است؛ یعنی همان‌گونه که مشرکین با همه مسلمانان می‌جنگند و همه مسلمانان را دشمن می‌دارند، مسلمانان نیز حق ندارند نسبت به آن‌ها رأفت و مدارا داشته باشند، بلکه همه را دشمن دانسته با آنان مقاتله کنند.

روش حصر و تخصیص

حصر یا تخصیص به معنی اختصاص دادن حکمی به موضوعی به طریق خاص را گویند. به بیان دیگر اثبات حکم برای امر مذکور در کلام و نفی آن از غیر را حصر گویند. (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۷۶۹) الفاظ مفید حصر به نوشته سیوطی در الاتقان عبارت اند از: ادات استثنا (إلا)، «انّما»، ضمیر فصل بین مبتدا و خبر (هو)، لام تأکید وارد بر «إلی» و تقدیم چیزی که حق آن تأخیر است. به نظر او همه این موارد حجت هستند و می توان به آن ها استدلال کرد. (پیشین: ۷۴۲) حروف متعددی در ادبیات عرب وجود دارند که موسوم به «ادات حصر» هستند و مفید تخصیص می باشند. این گونه حروف در قرآن و حدیث فراوان به کار رفته و موارد کاربرد آن ها به موضوع و مطلب ذکر شده در آیه یک نوع انحصار و اختصاص می بخشد. در حقیقت چنین موردی از نظر قرآن کریم دارای اهمیت و ارزش مطلوبی است.

مرحوم آخوند در کفایةالأصول در زمینه ادات حصر می فرماید: از کلماتی که بر حصر و اختصاص دلالت دارند «انّما» است. دلیل این مطلب را تصریح اهل لغت و تبادر حصر از این کلمه در نزد عرف و محاوره جامعه ذکر کرده است. (آخوند، ۱: ۲۱۱) چنان که کلمه انّما در آیه ذیل به معنای حصر به کار رفته است: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا)؛ جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می خوانند... (مائده: ۵۵) آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه می گوید: یقین داریم به این که کلمه «انّما» بر حصر دلالت می کند و به این مطلب تصریح دارد که ولی شما مؤمنین فقط خدا، رسول خدا ﷺ و کسی است که در حال رکوع نماز، کمک به سائل کرد، نه غیر آن ها. در روایات آمده که آن کس امام علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است (مکارم، ۱۳۸۳: ۵۲).

روش تقدیم و تأخیر

تقدیم چیزی که حق آن قرار گرفتن در آخر جمله است، ولی به علت افاده فائده مقدم می آید.

این‌گونه موارد در ادبیات عرب زیاد وجود دارند و برخی کلمات با علامت خاص مانند مفعول به یا خبر بر فعل و مبتدا مقدم می‌شوند و این تقدیم در واقع به‌خاطر فائده و نتیجه‌ای است که در کلام ایجاد می‌گردد. یکی از این فوائد افاده اختصاص و حصر است؛ زیرا تقدیم چیزی که حقیقت تأخیر است اختصاص را افاده می‌کند. مثلاً در آیه (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) تقدیم ضمیر منفصل «إِيَّاكَ» بر فعل «نَعْبُدُ» و «نَسْتَعِينُ» مفید حصر و اختصاص عبادت و استعانت به‌خدای متعال است. (طبرسی، ۱: ۱۰۰) منظور آیه علاوه بر افاده حصر عبادت و استعانت بر خدای متعال، آن است که بنده در مقام اظهار عبودیت و بندگی، با صراحت به وابستگی و تذلل خویش در درگاه الهی اعتراف می‌کند و بهترین شیوه اظهار بندگی در همین اعتراف صریح نهفته است. (مصباح، ۱۳۸۷: ۲۴۹) «تقدیم ماحقه التأخیر» در مواردی که حکم و رفتاری از چنین ویژگی قرآنی و حدیثی برخوردار باشد، می‌تواند به‌عنوان ملاک مرجح در نظر گرفته شود و آن حکم دارای اهمیت بیشتر قرار گیرد.

سوم. روش کیفی محتوایی

روش کیفی محتوایی، بیشتر به مفاد و معنای متن توجه دارد، نه ادبیات و کلمات به‌کار رفته در آن. هدف این است که اهمیت معنایی حکم فقهی و رفتار مورد نظر از قرآن و حدیث ثابت شود. اگر رفتار و دستوری مورد تأکید همه پیامبران بود یا ارتباط مستقیم با یکی از اصول دین داشت و یا دارای آثار مهم اجتماعی بود، به‌لحاظ تربیت دارای بار ارزشی است.

تأکید قولی و عملی انبیا بر حکم

پیامبران الهی در حقیقت هدف واحدی را تعقیب و برای تحقق آن برنامه‌ریزی، فعالیت و تلاش می‌کردند. چراکه شخصیت حقوقی انبیا که همان نبوت و رسالت آن‌هاست، بین همه پیامبران مشترک بوده است. از این‌رو، خداوند به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: (مَا يَقُلُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ)؛ هر چه درباره تو می‌گویند درباره پیامبران پیش از تو نیز گفته‌اند. (فصلت، آیه ۴۳) خداوند به پیامبر اسلام ﷺ هم دستور داد: (قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ)؛ بگو من

پیغمبر تازه‌ای نیستم. (احقاف، آیه ۹) زیرا نه دعوت و هدایت پیامبر اکرم ﷺ بی سابقه بود و نه بدرفتاری‌هایی که نسبت به آن حضرت روا داشته می‌شد، بدیع و نوظهور بود. (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ۶: ۵۴) همچنین انبیا در عمل دعوت مشترک داشتند و همه آن‌ها در هر زمان مردم را به فراگیری تقوا یا انجام امر به معروف و نهی از منکر فراخوانده‌اند. چنان‌که قرآن کریم در آیات مختلف از این وحدت رویه و اشتراک دعوت انبیا به تقوا خبر داده است. حضرت نوح (شعرا، آیه ۱۰۶)، هود (شعرا، آیه ۱۲۴)، صالح (شعرا، آیه ۱۴۱) و لوط (شعرا، آیه ۱۶۲) از جمله انبیایی هستند که نام‌شان در سوره شعرا آمده و همه آن‌ها قوم خود را دعوت به تقوا و پرهیزگاری کرده‌اند (جوادی آملی، پیشین: ۶۶). وحدت سیره پیامبران نشان می‌دهد که انبیا در تأکید بر بعضی ارزش‌های اسلامی مانند تقوا وحدت عمل داشتند و این امر، می‌تواند معیار ارزش‌گذاری و تحلیل تربیتی حکم مندرج در متن قرآن و حدیث قرار گیرد.

ارتباط با توحید

همان‌گونه که توحید به عنوان پایه فکری و اعتقادی مسلمانان دارای اهمیت ویژه در اسلام است و آیات مختلف قرآن در این زمینه دلالت دارند، دستوراتی که در این آیات متضمن حکم فقهی هستند نیز حائز اهمیت و ارزشمندی است. در بسیاری موارد احکام ذکر شده در آیات قرآن به گونه‌ای بیان شده که پیوند با یکتاپرستی دارند و این ارتباط نشانه اهمیت و ارزشمندی آن حکم است. چنان‌که خداوند در مورد دستور به عبادت به صورت عام و نماز به صورت خاص می‌فرماید: «إِنِّیْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِیْ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِکْرِیْ»؛ «مَنْ «اللّٰهُ» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا پرست، و نماز را برای یاد من بپا دار. (طه، آیه ۱۴) حکم نماز در این آیه همراه با تأکید به «إِنَّ» و جمله اسمیه و امر به لحاظ تربیتی جای تحلیل دارد.

ارتباط با معاد

قرآن کریم بر نتایج اعمال و پیامدهای آن تأکید فراوان کرده و آدمیان را از عواقب رفتارهای‌شان

برحذر داشته است. نکته مهم در ارتباط با اعمال دنیای پیوند عمیق آن با زندگی آخرت است که سرنوشت حیات ابدی را رقم می‌زند. چنان‌که قرآن مجید مکرر به این موضوع توجه داده می‌فرماید: «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ»؛ هرکسی در گرو کار خویشتن است. (طور، آیه ۲۱) و «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»؛ هر جانی در گرو دست‌آورد خویش است. (مدثر، آیه ۳۸) قرآن ارتباط رفتار دنیایی با نحوه زندگی در قیامت را به صورت روشن و منطقی تبیین کرده و راه رسیدن به سعادت اخروی را نشان داده است. در سوره زلزال می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»؛ در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می‌آیند تا اعمال‌شان را به آن‌ها بنمایانند. پس هرکس به وزن ذره‌ای نیکی کرده باشد آن را می‌بیند و هرکس به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد آن را می‌بیند (زلزال، آیه ۷-۸). حیات آخرت در حقیقت بازتاب و انعکاس رفتارهایی است که در دنیا از انسان ظهور و بروز کرده است. در این صورت اگر حکم به رفتار نیکو و دوری از گناه در این گونه آیات پیوند مستقیم با معاد و زندگی پس از مرگ دارند، دارای بار تربیتی خاصی می‌باشند.

نبوت و امامت

نبوت و در ادامه آن امامت از ارکان مهم دین اسلام است که تبعیت از پیامبر و امام معصوم علیه السلام به منزله پیروی از خدای سبحان می‌باشد. قرآن به عنوان اثر جاوید رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان حضور دارد و شیوه‌های رفتار جامعه اسلامی را نشان می‌دهد. از منظر قرآن اطاعت و مخالفت خدا و پیامبر و امام معصوم: در ردیف طاعت و عصیان خداوند توصیف شده است. یعنی اطاعت امام و پیامبر صلی الله علیه و آله در واقع اطاعت خدا و مخالفت آن دو مخالفت خدای متعال است. از این رو، هر اندازه رفتار انسان منطبق با دستورات پیامبر و امام بود، به همان اندازه فرد تقرب به خدای سبحان پیدا می‌کند.

خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد که خود را به مردم معرفی کند تا آنان با تعقل و شناخت به او ایمان آورند و از وی پیروی نمایند:

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيُّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يُوْمِنُ بِاللَّهِ وَ
كَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما
هستم، همان خدایی که حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن اوست، معبودی جز او
نیست، زنده می‌کند و می‌میراند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر
درس‌نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید
(اعراف، آیه ۱۵۸).

طبق این آیه، ایمان به پیامبری که فرستاده آفریدگار زمین و آسمان و کسی که مرگ و زندگی
در دست اوست، به حکم عقل لازم و تبعیت از او موجب هدایت و رستگاری انسان می‌باشد.
آیه یادشده ارشاد به این حکم عقل است و لزوم تبعیت از پیامبر ﷺ را به عنوان یک حکم الهی
بیان کرده تربیت‌ساز و انسان‌ساز است. یعنی رفتار انسان باید هماهنگ با سیره رسول الله ﷺ
باشد تا موجب سعادت و خوشبختی ابدی وی فراهم گردد.

شمول و فراگیری حکم

راه دیگر برای تحلیل تربیتی، فراگیری حکم نسبت به افراد، زمان‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌های
اجتماعی است که هر حکمی از این تعمیم برخوردار بود، بار تربیتی بیشتری دارد. احکام
ذکرشده در قرآن، اعم از ایجابی و سلبی، از نظر عمومیت و شمول متفاوت‌اند؛ بعضی
مربوط به صنف یا فصل، مکان یا زمان خاص است؛ مانند پرداخت زکات و انجام حج و
برخی به موقعیت یا شرایط ویژه اختصاص دارند؛ نظیر جهاد. اما بسیاری از احکام بدون
هیچ‌گونه قید و شرطی همه موارد یادشده را فرامی‌گیرند، مانند امر به معروف و نهی از منکر
یا صداقت و راستی. عمومیت حکم نقش اجتماعی آن را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد
که رفتار طبق این نوع حکم پایه و اساس روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد. به این معنا که
در هر زمان مردم نیاز به اجرای آن حکم دارند و اگر مورد عمل قرار دهند، تعهد آن‌ها را به
دین و دیانت ثابت می‌کند. آیاتی که در مورد امر به معروف و نهی از منکر هستند، فراگیری آن

را نیز به اثبات می‌رسانند و بیانگر آن هستند که این دستور الهی در هر زمان و مکان به‌وسیله همه افراد باید اجرا شود.

۲. روش‌های تحلیل برون‌متنی

این نوع تحلیل چندان اهمیتی به درون متن ندارد، بلکه به مفهوم و محتوای متن تکیه دارد و به مضمون آیه و حدیث بیشتر توجه می‌کند. این شیوه تحلیل به روش قیاسی نزدیک است و از کل به جزء سیر می‌کند. این روش به این دلیل برون‌متنی گفته می‌شود که منشأ و منبع مورد استفاده در آن، اغلب خارج از آیات قرآن است. احکامی که از روایات اسلامی، فهم و حکم عقل یا قواعد اصولی به‌دست می‌آیند، در این بخش ارائه می‌گردد. ممکن است این معیارها با آیات قرآن نیز سازگاری داشته باشند و از متن سخنان خداوند بتوان شواهدی بر آن مفهوم پیدا کرد، ولی منبع اصلی چنین معیارهایی عقل و روایات هستند. از این‌رو، این معیارها ذیل برون‌متنی، یعنی بیرون از متن قرآن بیان می‌شود.

الف) آثار پیامدی حکم

منظور از آثار پیامدی نتایجی است که بعد از عمل به حکم فقهی عاید انسان و جامعه انسانی می‌شود. در این نوع حکم تمرکز بر پیامدهای حکم است که به‌صورت واضح در جامعه نمود پیدا می‌کنند. زیرا هر رفتار و فعالیتی خالی از اثر و نتیجه نیست، ولی میزان نتایج متفاوت است و اگر رفتاری اثر اجتماعی بیشتری داشته باشد، می‌تواند به‌عنوان عامل تحلیل تربیتی ملحوظ گردد. رفتارهایی که در اجتماع انجام می‌گیرند، هر یک به اندازه شعاع وجودی خود اثر یا آثاری در جامعه به‌جا می‌گذارند. این آثار یا پیامدها در صورتی که استمرار داشته باشند و بر نوع آن رفتار خاص مترتب شوند، می‌توانند به‌عنوان ملاک تحلیل تربیتی لحاظ شوند.

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر به‌عنوان نمونه از جمله احکامی هستند که در نهضت پیامبر اسلام ﷺ و قیام امام حسین علیه‌السلام و همچنین فعالیت همه مصلحان و هدایت‌گران جامعه مطرح

بوده و آثار مهمی هم در طول تاریخ به جا گذاشته و عامل اصلاح امت‌های پیشین بوده است. امروزه نیز این دستور الهی از منظر قرآن و حدیث و نیز اوضاع جامعه با اهمیت و دارای پیامدهای مثبت اجتماعی است. بر این اساس تأثیر اجتماعی از گونه احکام فقهی در اجتماع قابل توجه است و بار تربیتی ویژه دارند.

ب) تأثیر حکم بر روابط اجتماعی

احکام فقهی معمولاً هرکدام آثاری در فرد و جامعه به جا می‌گذارد؛ به نحوی که فوائد حکم مانند انفاق و اعتدال مثلاً عائد افراد جامعه می‌شود. البته این قبیل احکام فقهی در سطوح گوناگون قرار دارند و از نظر تأثیرگذاری بر روابط اجتماعی در یک سطح نیستند؛ بلکه تأثیر رفتار بر وضعیت اجتماعی در اندازه‌های مختلف قابل بررسی است. آنچه در تحلیل تربیتی مفید است، رفتارهایی است که از میزان اثربخشی بیشتر در تحکیم روابط اجتماعی و بهبود اخلاق و تربیت جامعه برخوردارند. مثلاً «لینت» و نرم‌خویی به عنوان رفتاری که خدا به آن دستور داده در رفتار اجتماعی تأثیر بسیار سازنده و مؤثر دارد. خداوند در این زمینه خطاب به رسول الله الاعظم ﷺ می‌فرماید:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَهِمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم‌گرفتی، (قاطع باش! و) برخدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد (آل عمران: ۱۵۹).

براساس آیه کریمه نرم‌خویی و مهربانی با دیگران به عنوان یک حکم الهی و عمل پیامبر به آن، موجب گرایش مردم به آن حضرت شده است. از این رو به او دستور داد که باید مردم را ببخشد و برای آن‌ها طلب آمرزش کند و در حل مسایل آنان را شریک سازد.

در غیر این صورت، خشونت و سخت‌گیری موجب پراکندگی مردم از اطراف پیامبر ﷺ می‌شده است. بر این اساس باید مسلمانان را مورد عفو و استغفار قرار دهد و در اداره امور با آن‌ها به مشورت بپردازد. بنابراین، به تعبیر قرآن «لَیْنَت» و مهربانی به عنوان عامل مهم در تربیت اسلامی قابل تجزیه و تحلیل است و آثار فراوانی در جامعه دینی به همراه دارد. بر این اساس، تأثیر حکم فقهی بر جامعه اسلامی و جذب مسلمانان به اسلام و قرآن، از عوامل تحلیل تربیتی است.

ج) تأکید روایات بر اهمیت حکم

روایات در اهمیت برقراری روابط اجتماعی فراوان است که با نگاه تربیتی به این روایات می‌توان معیار تحلیل تربیتی را به دست آورد. روایاتی که در زمینه رفتارهای اجتماعی و برخورد افراد یا یک‌دیگر و همچنین تنظیم امور معیشتی وارد شده‌اند، نشان‌دهنده اهتمام معصومین (علیهم‌السلام) به آن است. برای مثال امام علی (علیه‌السلام) در اهمیت راستگویی می‌فرماید: «الصَّدْقُ لِسَانُ الْحَقِّ»؛ راستگویی زبان حق است و خدای متعال که حق محض است با راستی سخن می‌گوید. (ری‌شهری: ۲۸۹) این روایت حکم فقهی راستگویی که وجوب سخن گفتن به راستی است را می‌رساند و در مقابل گناه و حرام بودن دروغ از آن، استفاده می‌شود. این دو نوع سخن گفتن از نظر تربیتی آثار مثبت و منفی بسیاری به همراه دارند. علی (علیه‌السلام) در روایت دیگر در مورد اهمیت صدقه دادن می‌فرماید: «الصَّدَقَةُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ»؛ صدقه سپری است در برابر آتش جهنم. (ری‌شهری: ۲۸۹) این روایت بیانگر اهمیت صدقه دادن است که به فرموده امام (علیه‌السلام) سپر آتش جهنم می‌باشد.

این دو حکم، یعنی لزوم راست‌گویی و صدقه دادن در راه خدا، آثار اجتماعی مهمی نیز به همراه دارند. به وسیله راست‌گویی دروغ را و با صدقه دادن، می‌توان فقر و گرسنگی را از جامعه ریشه‌کن کرد و همچنین وحدت را در اجتماع برقرار ساخت. در حوزه رفتار انسانی این‌گونه توصیف‌ها از رفتارهای مشخص اجتماعی در حقیقت ناظر به آثار تربیتی آن‌هاست.

روش استفاده از تحلیل روایی بدین طریق است که پس از تطبیق عوامل درون متنی بر رفتار اجتماعی، از روایاتی که اهمیت آن را بیان می‌کنند، برای تحلیل تربیتی استفاده می‌شود. به‌عنوان نمونه روایات مربوط به اهمیت اعتدال و انفاق ناظر به بار ارزشی و تربیتی آن دو هستند که باید در جامعه مورد عمل قرار گیرند.

د) دلالت عقل بر اهمیت حکم

عقل به‌عنوان یکی از منابع مهم دینی مورد تأیید قرآن و قابل اعتماد اندیشمندان مسلمان است و در بسیاری از موارد اهمیت حکم را تشخیص داده به لزوم عمل به آن، فرمان می‌دهد. چراکه عقل یک نیروی سنجش‌گر باطنی و از قدرت تشخیص و شناسایی بالایی برخوردار است و می‌تواند با بررسی جوانب امر به رعایت آن حکم کند. چه این که عقل حسن و قبح و همچنین سود و زیان اعمال را بازشناسی و به انسان معرفی می‌کند. امام صادق (ع) درباره دلالت و راهنمایی عقل می‌فرماید: «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ»؛ عقل راهنمای مؤمن است. (ری‌شهری: ۳۵۷) امام علی (ع) فرمود: «الْعَقْلُ شَجَرَةٌ ثَمَرُهَا الْكَسَاءُ وَالْحَيَاءُ»؛ عقل و خرد درختی است که میوه آن سخاوت و حیا است. (ری‌شهری: ۳۶۱) سخاوت و حیا دو صفت رفتاری هستند که از عقل و خرد نشأت می‌گیرند؛ بدین معنا که عقل به این دو رفتار پسندیده اجتماعی راهنمایی می‌کند.

نتیجه

آنچه در این مقاله ذکر شد، افزون بر پاسخ به سؤال‌های مطرح در مقدمه به نتایج قابل توجهی رهنمون شد که به‌صورت ارقام به‌شرح زیر اشاره می‌شود.

۱. تحلیل تربیتی احکام فقهی کار نو در حوزه تعلیم و تربیت است که تاکنون توجهی به آن نشده و لازم است پژوهشگران علوم تربیتی به آن بپردازند.
۲. تحلیل تربیتی از نظر وسعت در همه ابواب فقه قابل توسعه است و هر حکم فقهی ظرفیت تجزیه و تحلیل تربیتی را دارند.

۳. روش‌های زیادی در تحلیل تربیتی احکام فقهی قابل استفاده هستند، ولی مناسب‌ترین آن‌ها از حیث مباحث فقهی روش نیمه‌استدلالی و از نظر منطقی روش قیاسی - استقرایی است.

۴. اگر مستند تحلیل تربیتی نکات موجود در متن آیات و روایات بود، از روش قیاسی و اگر حکم عقل، حکمت، عرف و مانند آن بود، از روش قیاسی - استقرایی استفاده می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابراهیمی پور، قاسم، *شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام*، مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری، تهران، بی‌تا.

ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.

ابن هشام، علی بن یوسف، *معنی الادیب*، ترجمه و توضیح: سیدعلی حسینی، دار التفسیر، قم، ۱۳۷۹.

ارل‌بی، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: رضا فاضل، سمت، تهران، ۱۳۸۱.
اووه فلیک، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، نشر نی، تهران، ۱۳۹۱.
الایروانی، محمدباقر، *الحلقه الثالثة فی أسلوبها الثانی*، المحبین للطباعة والنشر، قم، بی‌تا.
باقری، خسرو، *نگاه دوباره به تربیت اسلامی*، مدرسه، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۴.
بلالاک، هربرت، *مقدمه‌ای بر تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: ابراهیم پاشا، سمت، تهران، ۱۳۷۲.
الفتازانی، سعدالدین، *شرح المختصر*، چاپخانه افست مصباحی، تهران، بی‌تا.
جرجانی، سیدشریف، *جامع المقدمات*، تصحیح و تعلیقه: محمدعلی مدرس افغانی، هجرت، قم، ۱۳۶۷.

جعفری، یعقوب، *تاریخ اسلام از منظر قرآن*، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۷.
جمعی از اساتید حوزه علمیه، *معنی الادیب*، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ ق.
جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر موضوعی قرآن کریم* (سیره پیامبران در قرآن)، اسراء، قم، ۱۳۷۶.
حسینی طیب، سید محمود، *چند معنایی در قرآن کریم*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹.
حیدری فر، مهندسی فهم و تفسیر قرآن، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۱.
خراسانی (آخوند)، ملا محمد کاظم، *کفایة الاصول*، نجف اشرف، بی‌تا.
دوورژه، موریس، *مبانی روش‌های علوم اجتماعی*، ترجمه: خسرو اسدی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.

رستگار، هادی، *روش فهم متن*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹.

- رونرژ، پیرت، *مبانی پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه: دادگران، نوآور، تهران، ۱۳۶۴.
- ساروخانی، باقر، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
- سبحانی، جعفر، *سیمای انسان کامل در قرآن*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰.
- سیف، علی اکبر، *روان‌شناسی پرورشی نوین*، دوران، قم، ۱۳۸۸.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان، *الإتقان فی علوم القرآن*، تقدیم و تعلیق: مصطفی ادیب البغا، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۶/ق/۱۹۹۶م.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴.
- الطبرسی، فضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، بی‌تا.
- فرمehنی فراهانی، محسن، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، اسرار دانش، تهران، ۱۳۷۸.
- قاضی‌زاده، کاظم، *سیاست و حکومت در قرآن*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۳.
- گروهی از محققان، *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۸.
- لطیف‌آبادی، حسین، *روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۸.
- محمدی ری‌شهری، محمد محمدی، *منتخب میزان الحکمة*، ترجمه: محمدرضا شیخی، دارالحديث، قم، ۱۳۸۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *قرآن‌شناسی*، تحقیق و نگارش: محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۳.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی، *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، بدر، تهران، ۱۳۷۰.
- ندوی، ابوالحسن علی، *تفسیری سیاسی از اسلام*، ترجمه: عبدالقادر دهقان، احسان، تهران، ۱۳۸۸.